

توزیع عادلانه ثروت یعنی رشد عادلانه جامعه

سرمقاله

آیا توازن در بودجه رعایت شده است؟

مهدي مدير

بودجه سال مالی ۱۳۹۶ دیروز از سوی مجلس نمایندگان اکثریت آرا تصویب گردید. تصویب بودجه از سوی نمایندگان مجلس کار پسندیده و به نفع دولت و مردم افغانستان است و می تواند زمینه اجرای شدن پروژه های انکشافی را فراهم سازد. اما آیا اشکالاتی که قبلا باعث رد طرح بودجه گردیده بود، برطرف شده است؟

متوازن نبودن بودجه بین ولایات مختلف کشور یکی از عمده ترین دلایل رد بودجه از سوی مجلس نمایندگان در اول ماه جدی بود، اما این توازن در تخصیص بودجه به ولایت کشور از جمله ی نکاتی نبود که دیروز به عنوان تغییر در طرح بودجه بر شمرده شد. مشخص نیست که این بار بودجه به دلیل رعایت توازن از سوی مجلس نمایندگان تصویب گردیده است، یا اینکه مصلحت های سیاسی باعث شده است که نمایندگان تصمیم به تصویب بودجه بگیرند.

در سالهای گذشته نیز همانند امسال بودجه به دلیل عدم رعایت توازن از سوی مجلس نمایندگان رد می گردید و دوباره از سوی حکومت به مجلس ارائه می شد و تصویب می گردید، اما بعد از تصویب بودجه مشخص می شد که تغییر چندانی در تخصیص بودجه بوجود نیامده است و توازن در بودجه بین ولایات کشور، در نظر گرفته نشده است. انتظار می رود اینبار نمایندگان مجلس در پی یک بازی سیاسی طرح بودجه را تصویب نکرده باشند و واقعا تغییراتی که مردم افغانستان انتظارش را داشتند در بودجه سال مالی ۱۳۹۶ بوجود آمده باشد و توازن و عدالت در تخصیص بودجه به ولایات کشور در نظر گرفته شده باشد.

انکشاف متوازن یکی از وعده های بوده که همواره حکومت به مردم افغانستان داده است، اما در عمل برنامه های انکشافی حکومت بصورت متوازن طرح و اجرا نشده است و هنوز بسیاری از ولایت های کشور ناانکشاف یافته و محروم از توسعه و خدمات دولتی باقی مانده است.

عدم رعایت توازن در تخصیص بودجه بین ولایات باعث شده است که در ولایت های محروم، اشتغال زایی بوجود نیاید، اقتصاد مردم رشد نکند و فقر و ننگدستی مردم در رنج دهد. همچنان در این ولایات ارائه خدمات دولتی در این ولایات ها در پایین ترین سطح قرار دارد و حتی خدمات صحتی و آموزشی با کیفیت و بصورت معیاری ارائه نگردد.

رعایت توازن در تخصیص بودجه ی انکشافی ولایت های کشور، می تواند برای مردم افغانستان نشانهگر تعهد عملی حکومت وحدت ملی به انکشاف متوازن و محرومیت زدایی از ولایت های دور دست و توسعه نیافته ی کشور باشد. انتظار مردم افغانستان این است که سرمایه ی ملی کشور ناعادلانه بین مردم افغانستان توزیع گردد و حقوق شهروندی برابر برای شهروندان کشور در نظر گرفته نشود. این امر باعث می شود که برای مردم افغانستان امیدواری خلق شود و باورمندی به عملکرد درست حکومت وحدت ملی بوجود بیاید. اما اگر این بار نیز روشن گردد که توازن در تخصیص بودجه در نظر گرفته نشده است و نمایندگان مجلس بر اساس مصلحت و یا بازی های سیاسی بودجه سال مالی ۱۳۹۶ را تصویب کرده است، مردم افغانستان از حکومت و مجلس نمایندگان بیشتر نا امید خواهند شد و فاصله بین دولت - ملت بیشتر از هر زمانی افزایش خواهد یافت.

از سوی دیگر، رعایت توازن در تخصیص بودجه به معنای در نظر گرفتن حقوق شهروندی برابر و عادلانه برای تمام مردم افغانستان و ابطال درجه بندی های ناعادلانه و ظالمانه است. درجه بندی های ناعادلانه ولایت های کشور در سال های گذشته باعث شده است که سرمایه ی ملی کشور ناعادلانه بین مردم افغانستان توزیع گردد و حقوق شهروندی برابر برای شهروندان کشور در نظر گرفته نشود.

مردم افغانستان اکنون با تیزی بی نظیری خاص و بصورت آگاهانه عملکرد حکومت و مجلس نمایندگان را دنبال می کنند. در صورتی که نمایندگان و حکومت با حقوق شهروندی آنها برخورد سیاسی کرده باشند و توازن در تخصیص بودجه ی ملی در نظر گرفته نشده باشند، پیامدهای آن هم برای حکومت وحدت ملی و هم برای مجلس نمایندگان سنگین و جبران ناپذیر خواهد بود.

وقتی سخن از توزیع عادلانه ثروت به میان می آید، ذهن ها معمولا به سوی جوامع سوسیالیستی سیر می کند؛ زیرا یکی شعارها و حنا شعورهای زبرنپایی نظام سوسیالیستی، ایجاد جامعه ی عادلانه بر اساس توزیع عادلانه ثروت بود. در آن سیستم سیاسی، شعار «به اندازه توان کار و به اندازه ی کار مزد» مطرح بود؛ اما، آن چه در نظام های دموکراتیک عدالت اقتصادی نامیده می شود، اصل و اساس دیگری دارد و آن «احترام به مالکیت خصوصی» اصلی است که دموکراسی را با نظام سوسیالیستی جدا می کند. در نظام های سوسیالیستی، سخن از نفی مالکیت خصوصی گفته می شد اما، به تدریج حکومت خود به عنوان عمده ترین مالک سر بر آورد و بر سایر طبقات حکومت کمر کرد. گر چه گاهی نظام های دموکراسی به نوعی نظام سیاسی نخچه گرا تقلیل پیدا می کند و برخی چنین باور دارند که نظام دموکراسی بر تقسیم قدرت بنا یافته است که نسبت به ثروت و مالکیت سخنی برای گفتن ندارد، اما واقعیت آن است که نظریه پردازان نظام های دموکراتیک، یکی از پایه های اساسی این نظام را، توزیع عادلانه فرصت ها می دانند و نوعی عدالتی که زمینه های رشد همه افراد و طبقات را فراهم آورد. این نکته قابل تذکر است که وقتی از نظام دموکراسی سخن می رود، در تقابل با بسیاری از رژیم های خودکامه و قدرت سلالار قرار می گیرد که گاهی در قالب و قواره نظام های استبداد سنتی می نشینند و گاهی هم در شکل نظام های ایدئولوژیک سوسیالیستی یا شبه سوسیالیستی و غیره قرار می گیرد. در هر دو نظام های استبدادی، از آن جایی که قدرت متمرکز وجود دارد، قدرت و ثروت توأم با یکدیگر در یک جای جمع می کند و در نتیجه، فساد بزرگی را به وجود می آورد.

در نظام های دموکراتیک برای آن که این نظام بر پای و مستدام بماند، راهبردهایی در نظر گرفته شده و آن راهبردها، تقویت طبقه ی متوسط جامعه است. برخی تیوری پردازان دموکراسی، از جمله «ساموئل هانتینگتون» بدین نظر است که برای

ایجاد یک نظام دموکراتیک، باید طبقه ی متوسط ایجاد شود. این طبقه گرچه وجوه مختلف دارد، اما بی گمان یکی از وجه های برجسته ی آن، وجهه ی اقتصادی است؛ یعنی رشد اقتصادی جامعه به گونه ی باشد که گرسنگی از آن جامعه رخت برنندد و گروهی فراگیری به نام طبقه متوسط ایجاد شود. این طبقه متوسط وجود یک نظام دموکراتیک را به نفع خود بداند و دفاع از آن نظام را، دفاع از طبقه خود به شمار آورد و در موقع خطر بتواند دفع آن مبارزه کند. برای آن که این طبقه پایدار بماند و رشد متناسب با دموکراسی داشته باشد، حکومت های دموکراتیک خود را موظف می دانند که از این طبقه حمایت کنند. در سخنرانی اخیر آقای اوبا مراسم تحلیف در دوم ریاست جمهوری - به نحوی حمایت از این طبقه را وظیفه ی حکومت خود دانست. البته، حمایت حکومت به معنای پرداخت امتیاز های اضافی به این طبقه نیست بلکه، کاستن از مسولیت ها و بارهایی است که به دوش طبقات اجتماعی در دموکراسی ها گذاشته شده است.

ایجاد یک نظام دموکراتیک، باید طبقه ی متوسط ایجاد شود. این طبقه گرچه وجوه مختلف دارد، اما بی گمان یکی از وجه های برجسته ی آن، وجهه ی اقتصادی است؛ یعنی رشد اقتصادی جامعه به گونه ی باشد که گرسنگی از آن جامعه رخت برنندد و گروهی فراگیری به نام طبقه متوسط ایجاد شود. این طبقه متوسط وجود یک نظام دموکراتیک را به نفع خود بداند و دفاع از آن نظام را، دفاع از طبقه خود به شمار آورد و در موقع خطر بتواند دفع آن مبارزه کند. برای آن که این طبقه پایدار بماند و رشد متناسب با دموکراسی داشته باشد، حکومت های دموکراتیک خود را موظف می دانند که از این طبقه حمایت کنند. در سخنرانی اخیر آقای اوبا مراسم تحلیف در دوم ریاست جمهوری - به نحوی حمایت از این طبقه را وظیفه ی حکومت خود دانست. البته، حمایت حکومت به معنای پرداخت امتیاز های اضافی به این طبقه نیست بلکه، کاستن از مسولیت ها و بارهایی است که به دوش طبقات اجتماعی در دموکراسی ها گذاشته شده است.



دموکراتیک شمرده می شود. آقای هانتینگتون وقتی از موج های دموکراسی سخن می گوید، یکی از نقطه ضعف های عمده ای که نظام های دموکراتیک نوبا را با آن مواجه هستند و باعث می شود که بعد از مدتی فرو بپاشند، نبود همین طبقه متوسط است. به این حساب، توزیع عادلانه فرصت ها و حمایت طبقه متوسط، یکی از عمده پایه های نظام مردم سالار و دموکراتیک است. فلسفه ای که پشت سر این دیدگاه وجود دارد، آن است که معمولا در جوامع، سه طبقه وجود دارند: یکی «طبقه ی فقیر» است که گرفتار زندگی بخور و نمیری هستند که وجود با عدم حکومت ها چندان تاثیری بر سرنوشت آن نخواهند کرد؛ دیگری «طبقه برخوردار و مرفه» اجتماعی است که با سرمایه خود زبست می کند، به قول معروف «هر جای روند قدر ببینند و بر صدر نشینند» و وجود حکومت ها تا جایی برای آن ضرورت دارد که بتوانند سرمایه ی خود را حفظ کنند، اما زمانی که قدرت سیاسی به خطر مواجه می شود، سرمایه داران زودتر از دیگران گلیم خود از ورطه می کشند و گلیم عافیت

از تاریخ چه آموخته ایم؟ احتمالا هیچ

از قرن بیستم هر چه را فراموش کنیم، جنگ ها را نباید از یاد ببریم

نویسنده: تونی جات / ترجمه: محمد غفوی



برای کسانی که به یاد دارند اوضاع پیش تر چگونه بود، آشفته کننده اند. در دهه های متعاقب انقلاب فرانسه، بسیاری از مفسران کهن سالار تر بر حالات زندگی در رژیم معدوم پیشین حسرت می خوردند. یک قرن بعد، یادمان ها و خاطرات عصر پیش از جنگ نخست جهانی در اروپا عموما تمدنی از دست رفته را به تصویر می کشیدند (و هنوز هم به تصویر می کشند) تصویر جهانی که پندارهای آن، تقریبا به معنای واقعی، پاره پاره شده بود: «دیگر چنان معصومیتی نخواهد بود».

اما تفاوتی وجود دارد. معاصران انقلاب فرانسه شاید بر دنیای پیش از انقلاب حسرت خورده باشند، اما آن را به فراموشی نسپردند. آنان در طول بیشتر سده نوزدهم همچنان دل مشغول آرمان ها و معنای تحولاتی بودند که در سال ۱۷۸۹ آغاز شده بود. مباحثات سیاسی و فلسفی روشنگری هنوز در شعله های آتش انقلاب خاکستر نشده بود. برعکس، انقلاب و پیامدهای آن به گونه ای وسیع به همان روشنگری ای منسب می شد که اکنون، هم در نظر دوست و هم در نظر دشمن، همچون منبع مورداجماع آموزه های سیاسی و برنامه های اجتماعی پی گرفته شده در سده بعدی ظهور کرده است.

تنبه بودیم: پیرومندی غرب، پایان تاریخ، لحظه تک قطبی آمریکا، پیشروی ناگزیر جهانی سازی و بازار آزاد. این باور که گذشته ها گذشته و دوران جدید سر رسیده است، تنها شامل حال جزئیات و نهادهای منسوخ کمونیسم در روزگار جنگ سرد نمی گردد. طی دهه نود و دوباره پس از واقعه یازدهم سپتامبر، چندین بار شگفت زده شدم، چون مردمان این عصر برای فهمیدن بستر تنگنای عصر حاضر، هم داخل و هم خارج؛ برای گوش نکردن با گوش جان به رهبران خردمندتر دهه های متقدم تر؛ برای تلاش فعالانه در جهت فراموش کردن و نه به یاد آوردن؛ و برای انکار تسادوم و ادعای نبودگی، هر جا که از دستشان برآید، پافشاری های مفرط به خرج می دهند. ما با لجاجت هرچه بیشتر بر این اعتقاد پای فشرده ایم که گذشته برای آموختن به ما چیز جالب چندانی در چنته ندارد. ادعا می کنیم که جهان ما جهانی جدید است و تهدیدها و فرصت های آن بی سابقه هستند.

روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.



بنیان گذار: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتورست: خالق علی زاده
دبیران: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسول وب سایت: غلام عباس اصلان
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷

افغانستان با The Daily Afghanistan Ma Outlook AFGHANISTAN